



چرا حجاب؟

سمیه آجرلو

سرشناسه : آجرلو، سمیه، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور : چرا حجاب؟/سمیه آجرلو.
مشخصات نشر : قزوین: مهرگان دانش: سایه گستر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۵۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۷۸-۴۰-۲
ویرایش و فهرست نویسی : فیبا
موضوع : حجاب
موضوع : حجاب اسلامی
رده بندی کنگره : BP ۷۳۰/۲۳۰ ۱۳۹۲۱۶ ج ۴/آ
رده بندی دیویی : ۶۳۶/۲۹۷
شماره کتابشناسی : ۳۳۷۴۷۴۱

انتشارات سایه گستر
www.sayegostar.com

مهرگان دانش
انتشارات مهرگان دانش
Mehregan.danesh@yahoo.com

آدرس: قزوین، چهارراه نادری، جنب داروخانه فارسی، پلاک ۲، طبقه ۲. ۰۲۸۱-۲۲۲۵۲۰۵-۲۲۲۸۰۳۲

چرا حجاب؟

- مولف: سمیه آجرلو
- ناشر: مهرگان دانش - ناشر همکار: سایه گستر
- ویراستار: شکوه بخارایی
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۴۰۰۰ تومان
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: الهادی
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۷۸-۴۰-۲

فهرست

مقدمه	۵
انسان در جهان‌بینی اسلامی	۶
امعاد وجودی انسان	۸
روش وجودی زن از منظر قرآن	۹
بسی نظریات تحقیرآمیز درباره زن و نظر اسلام در این رابطه	۱۱
زن در سبک آئین	۱۴
زن در نگاه انسان	۱۴
مقام زن در شاهنامه و بوست	۱۵
حجاب و افزایش زیبایی	۱۸
اهمیت امر به معروف و نهی منکر	۱۹
تأثیر نگاه به نامحرم	۲۱
تأثیر مخرب لوازم آرایشی بر پوست	۲۴
بحران فروپاشی در غرب	۲۶
جوانان و ماهواره	۲۸
احادیث و روایات در مورد غیرت مردان و بی‌غیرتی	۲۹
علت پوشش در گذشته	۳۱
علت اصلی حجاب	۳۱
ارزش حیا و عفت	۳۶
اقداماتی برای حفظ حیا و پاکدامنی	۳۸
وظیفه پدران و مادران در تربیت فرزندان	۴۰

- ۴۲..... احادیث در مورد حیا و عفت زن
- ۴۴..... بهترین نوع حجاب
- ۴۷..... وصیت شهیدان در مورد حجاب و عفت
- ۴۸..... رضایت امام زمان در حجاب و عفت زنان است
- ۴۹..... عفت در اخرا الزمان و لزوم شناخت امام زمان
- ۵۲..... عجبایی زنان در آخر الزمان و نوع پوشش
- ۵۳..... ناشاختن و بدن بر سر مهادی (عج)
- ۵۴..... دوستداران امام زمان انتظار فرج

مقدمه

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»

سزاوار است قبل از پرداختن به مسئله زن و علت لزوم حجاب برای زنان، به موضوع انسان بپردازیم. زیرا انسان تا خود را بشناسد، خیر و شر، صلاح و ضرر خویش را هم نمی‌تواند تشخیص دهد.

درباره ارزش خودشناسی و مذمت حجاب به خود، روایات فراوانی آمده همچون: «غایت دانش، خودشناسی است».

«بزرگ‌ترین نادانی، جهل انسان نسبت به امور نفس و دل است».

«کسیکه نفس خود را بشناسد با آن مجاهدت می‌کند و کسیکه نفس خود را نشناسد آن را بی‌هوده رها کند».

بنابراین لازم است ابتدا به شناخت حقیقت وجود انسان از دیدگاه قرآن پرداخته و سپس ارزش و مقام زن در اسلام را با سایر ملل و ادیان تحریف شده مقایسه کنیم. با برشمردن فواید و آثار مطلوب حجاب در زندگی اجتماعی و خانوادگی، این مبانی را به پایان بریم.

امید است این نوشتار قطره‌ای از دریای زلال حکمت باشد برای جستجوی حقیقت و کمال آدمی.

انسان در جهان بینی اسلامی^۱

انسان در جهان بینی اسلامی داستانی شگفت دارد. انسان اسلام تنها یک حیوان راست قامت که ناخنی پهن دارد و با دو پا راه می‌رود و سخن می‌گوید نیست؛ این موجود از نظر قرآن ژرف‌تر و رازگونه‌تر از این است که بتوان آن را با چند کلمه تعریف کرد. قرآن انسان را هم مدح‌ها و و ستایش‌ها کرده و هم مذمت‌ها و نکوهش‌ها نموده‌است.

عالی‌ترین مدح‌ها و بزرگ‌ترین مذمت‌های قرآن دربارهٔ انسان است. او را از آسمان و زمین و آفرینش بزرگ می‌خواند و در همان حال از دیو و چارپایان پست‌تر شمرده است. از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد و هم می‌تواند به درجهٔ «اسفل السافلین» سقوط کند. این خود انسان است که باید دربارهٔ خود تصمیم بگیرد و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید.

سخن خویش را از ستایش انسان در قرآن تحت عنوان «ارزش‌های انسان» آغاز می‌کنیم:

«ارزش‌های انسان از منظر قرآن»

- ۱- انسان خلیفهٔ خدا در زمین است. (بقره ۳۰ - عام ۱۶۴)
- ۲- ظرفیت علمی انسان بزرگ‌ترین ظرفیت‌هایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد. «تمام اسماء را به آدم آموخت. آنگاه از فرشتگان پرسید: نام این اسماء را بگویید و...» (بقره ۳۱-۳۳)
- ۳- او فطرتی خدا آشنا دارد؛ به خدای خویش در عمق و جدی خویش گاهی دارد. همهٔ انکارها و تردیدها، انحراف‌هایی است از سرشت اصلی انسان. (سجده ۱۷۲-روم ۴۳)

^۱ شهید مطهری، انسان در قرآن، جلد چهارم، ص ۸

- ۴- در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد. انسان ترکیبی است از طبیعت و ماورای طبیعت، از ماده و معنی، از جسم و جان. (سجده ۹-۷)
- ۵- آفرینش انسان حساب شده است و تصادفی نیست و انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است. (طه ۱۲۱)
- ۶- او از وجدانی اخلاقی برخوردار است؛ به حکم الهامی فطری، زشت و زیبا را درک می‌کند. (اسراء ۳۴)
- ۷- جنبه یاد خدا با چیز دیگری آرام نمی‌گیرد. خواست‌های او بی‌نهایت است، به هر چه برسد آن‌ها برآورده نمی‌شود مگر آنکه به ذات بی‌حد و نهایت (خدا) پیوندد. (رعد ۲۸، انشراح ۶)
- ۸- انسان جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی‌یابد و اگر خدای خویش را فراموش کند خود را فراموش می‌کند و نمی‌داند که کیست و برای چیست و چه باید بکند و کجا باید برود.
- ۹- «همانا از آنان مپاشید که خدا را فراموش کردند» خداوند خودشان را از یاد خودشان براند. (حشر ۱۸)

ضد ارزش‌ها

در عین حال، همین موجود در قرآن مورد بزرگترین نکوهش‌ها و ملامت‌ها قرار گرفته است:

- «او بسیار ستمگر و نادان است». (احزاب ۷۲)
- «اونسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است». (حج ۶۶)
- «او آنگاه که خود را مستغنی می‌بیند طغیان می‌کند». (علق ۷)

«او عجل و شتابگر است». (اسراء ۱۱)

«او مجادله‌گرترین مخلوق است». (کهف ۵۴)

«اگر سختی به او رسد، جزع کننده است و اگر نعمت به او رسد بخل کننده

است». (معارج ۱۹) و ...

ابعاد وجودی انسان

انسان موجود چند بعدی

اینک بگویم: آیا انسان از نظر قرآن یک موجود زشت و زیباست؟

آیا انسان یک موجود خوشبختی است: نیمی از سرنوشتش نور است و نیمی ظلمت؟

چگونه است که قرآن هم این منتها درجه مدح می‌کند و هم منتها درجه مذمت؟

حقیقت این است که این مدح و مذمت، از آن جهت نیست که انسان یک موجود دو

سرنوشتی است، بلکه نظر قرآن به این است که انسان همه کمالات را بالقوه دارد و باید

آن‌ها را به فعلیت برساند و این خود، وسعتی که باید سازنده و معمار خویشتن باشد. شرط

وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد «ایمان» است.

انسان با همه وجوه مشترکی که با سایر جانداران دارد، یک سلسله تفاوت‌های اصیل

و عمیق با آن‌ها دارد که هر یک از آن‌ها بعدی جداگانه به رسمیت بخشد و رشته‌ای

جداگانه در بافت هستی او به شمار می‌رود. این تفاوت‌ها در واقع به این است:

۱- ناحیه ادراک و کشف خود و جهان

۲- ناحیه جاذبه‌هایی که بر انسان احاطه دارد.

۳- ناحیه کیفیت قرار گرفتن تحت تأثیر جاذبه‌ها و انتخاب آن‌ها

اما در ناحیه جاذبه‌ها، انسان مانند جانداران دیگر تحت تأثیر جاذبه‌ها و کشش‌های

مادی و طبیعی است؛ میل به غذا، میل به خواب، میل به امور جنسی، میل به استراحت

و آسایش و امثال اینها او را به سوی ماده و طبیعت می کشد. اما جاذبه‌هایی که انسان را به سوی خود می کشد منحصر به به اینها نیست؛ جاذبه‌ها و کشش‌های دیگری انسان را به سوی کانون‌های غیر مادی می کشاند.

اصول جاذبه‌های معنوی که تا امروز شناخته شده و مورد قبول است امور ذیل می‌باشد:

۱- علم و دانایی

۲- خیر اخلاقی

۳- جمال و زیبایی

۴- تقوی و درستش

یک بعد از ابعاد انسانی انسان علاوه بر جاذبه‌های علمی و زیبایی است. قسمت مهمی از زندگی انسان را جمال و زیبایی تشکیل می‌دهد. انسان جمال و زیبایی را در همه شئون زندگی دخالت می‌دهد. در خانه که می‌سازد، ظرفی که در آن غذا می‌خورد، فرشی که زیر پا می‌اندازد و... به اصول زیبایی آن اهمیت می‌دهد. دوست دارد چهره‌اش زیبا باشد، نامش زیبا باشد، جامه‌اش، خصلت، شایسته و مناظر جلوی چشمش. به طور کلی می‌خواهد هاله‌ای از زیبایی تمام زندگی‌اش را فرا گیرد.^۱

بدیهی است زن که به عنوان مظهر جمال الهی آفریده شده است بیشتر به زیبایی و جمال خویش اهمیت می‌دهد.

ارزش وجودی زن از منظر قرآن

پروردگار توانا زن را مظهر خلاقیت و جمال و زیبایی خویش آفرید و وجود او را مهم‌ترین و بیهوده و انگذاشت، و او را به خلاقیت خود مربی و پرورش دهنده افراد جامعه انسانی قرار داد و روی زمین را از فرزندان و دست پرورده‌های او پر نمود و علی‌رغم آنانی که حق انسانی زن را انکار کردند، حضور او را در تمام مراتب تکوینی و تشریعی جهان هستی

اثبات نمود و مقام ولایت مطلقه و وحی و الهام و سایر کرامات انسانی را از زن خالی نگذاشت و در آیه مباهله «و اینانا... و نسانا... و انفسنا» فرمود. گرچه انسان را به طور کلی نماد موجودات قرار داد و درباره او «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» فرمود، ولی صنف زن را به عنایت مخصوصی گرامی داشت، چنان که در تمام امور، جانب احترام و سبکباری او را رعایت فرمود و او را از کارهای گران و دشوار که سزاوار ظرفیتش نیست، محفوظ داشت و با طایفه و وحی و رقت قلب، او را به خود نزدیک ساخت و در قرآن، آیات و سوری را به نام او رستاد تا جای کننده مشکلات او باشد و به این وسیله پیوسته از حق او دفاع نمود و حتی به نازلترین حالات طبیعی او توجه داشت و از او دفاع و پشتیبانی به عمل آورد و مصالح او را یک به یک برشمرده و در نظر دارد.

چنان که پیامبر فرمود: «تبرئین المواره مرا نسبت به زنان سفارش می‌کند به آن سان که پنداشتم طلاق زن اصلاً جایز نیست» از جرم و گناهی آشکار و ثابت شده.

از نظر قرآن بین زنان و مردان طبیعتی و کمال انسانی و هویت انسانی، رشد استعدادها، طلب علم و منزلت های اکتسابی و بسیاری از صفات که لازمه تعالی و رشد فرد و اجتماع است هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد و صرفاً هویت انسانی، زن و مرد نمی‌شناسد. استاد مطهری می‌فرماید: «اگر بخواهیم بینیم نظر قرآن در مسئله نسبت زن و مرد چیست لازم است به مسئله سرشت زن و مرد توجه کنیم. قرآن در این مورد سکوت نکرده است و با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم... در اسلام نظریه تحقیرآمیزی نسبت به زنان از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد... قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که عبادات اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، به ایمان و عمل مربوط است. خدا از طرف زن باشد و یا از طرف مرد، قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند...»^۱